

هر روز دریغ از دیروز!

پنجم دی ماه 1383
محمد حسینی

شعر ادیب نیشابوری که گفته است: **بر این زندگانی نباید گریست — که بر کام بدخواه بایست زیست** وصف حال ما ایرانیان است. درست در 52 سال پیش در چنین روزی (پنجم دیماه 1331) دکتر علی شادگان که از جانب نخست وزیری که قدرش را ندانستیم یعنی زنده یاد **دکتر محمد مصدق** مأمور شده بود ریاست کمیسوی را برای اصلاح نظام انتخاباتی تشکیل دهد و مساعی خود را به این مهم مبذول دارد نتیجه تلاش صادقانه خود را اعلام داشت. دکتر شایگان طی اعلامیه ای از عموم صاحب نظران در سراسر ایران درخواست کرده بود که پیشنهادهای خود را برای بهبود نظام انتخاباتی به این کمیسیون اعلام دارند. کمیسیون مزبور پس از دریافت نظرها مختلف و تقسیم بندی و بررسی آن ها چنین بیان داشته بود که باید:

1. **مشارکت بانوان در انتخابات تضمین شود زیرا در قانون اساسی خطاب به «مردم ایران» است که بانوان را نیز شامل می شده، بنابراین زنان ایران از آغاز مشروطیت به طور غیر قانونی از چنین حقی محروم شده بودند. اکنون ضرورت دارد این حق بلافاصله به زنان ایران برگردد.**
2. **انتخابات به صورت شورایی درآید و نمایندگان مجلس به صورت هرم از جانب شوراهای منتخبه محلی برگزیده شوند تا بهترهای جامعه باشند.**
3. **اگر شمار نامزدهای انتخابات بیش از میزان منطقی و متعارف باشد، این نامزدها از میان خود برای هر حوزه حد اکثر پنج نفر « بهتر » را تعیین کنند تا مردم در روز رای دادن تکلیف خود را بدانند.**
4. **چون شناخت رای دهندگان از نامزدها محدود است، انتخابات دو مرحله باشد و در مرحله اول کسانی انتخاب شوند که ماموریتشان تنها انتخاب نمایندگان مجلس از میان بهترها و از جمله خودشان باشد.**

باید اذعان و اقرار کرد که:

- **دکتر محمد مصدق** مانند فواره آب زلالی بود در صحرای خشک و سوزان جامعه آن روز ایران که چون با استفاده انگلیس و امریکا در 28 مرداد 1332 از ابزار و عوامل خیانت داخلی در ایران نظیر شاه و دربار و بقائی و کاشانی و حزب توده مهارش کردند بار دیگر صحرا رو به همان خشکی و داغی قبل از حضور او در صحنه نهاد و اکنون مانند سرابی روبرویمان ظاهر شده است. افسوس که روشنفکران ما امروزه همه افتخارشان به این است که بگویند « مصدق و نهضت ملی ایران مربوط به نیم قرن پیش بود و باید آن را کنار گذاشت و شرایط امروز را در نظر گرفت!» چه شرایطی را؟ در دست استعمار زیون و فلاکتیافتادگان را؟
 - باید اذعان و اعتراف کنیم که مدعیان پرچانه صحنه سیاست و مبارزه سیاسی امروز ایران مانند موم در دست امپریالیزم جهانی هر روز به شکل و وضعی در می آیند.
 - افسوس که اغلب باورمندان و هم میهنان ما در طیف چپ (به اصطلاح کمونیست) همچنان مصدق را فتوادل و پشتیبان سرمایه خطاب می کنند و وقتی از آنان می پرسیم چه سیستمی را برای آینده ایران مصلحت می دانید جواب می دهند سیستم شورائی را و شماره 2 بالا را که بیش از نیم قرن پیش پیرو اقدامات مصدق اعلام شده بود نادیده می انگارند.
- مصدق هیچ نیازی به قدرشناسی از سوی ما ندارد، اما ما به شدت نیاز داریم « **راه مصدق** » را درست از همان نقطه که سرکوبش کردند پیش بگیریم و اینچنین سرگردان و نالان ناخواسته در جهت منافع امپریالیزم جهانی قدم بر نداریم. ما خود بلای کنونی را به جان خریده ایم. باید نگاهی بس دقیق و عمیق به کرده های خود بیاندازیم.

هر روز دریغ از دیروز!